فصل‌نامه علمی پژوهش‌نامهٔ تاریخ اسلام
سـال نهم، شماره سی و پنجم، پاییز ۱۳۹۸
مقاله پژوهشی، صفحات ۵ – ۲۱

جایگاه ندیمان در دربار خلفای عباسی (حک. ۱۳۲-۶۵۶)

لیلا طاهرخانی[۱]
مصطفی ناصری راد[۲]

چکیده

خلفای عباسی در تدبیر امور، سیاست‌گذاری و گذران وقت، همـواره از نـدیمان اسـتفاده می‌کردند. ندیمان در بیشتر مراسـم دربـار بـه‌ویـژه در مجـالس عـیش و طـرب و گـاه مصلحت اندیشی در کنار خلفا، حضور داشتند و به تناسب مهارت، دانش و قابلیت‌ها، بـا توجه به شرایط و مطابق خواست خلیفه، عمل می‌کردند. مسئله اصلی پژوهش آن است که ندیمان در دربار عباسی از چه جایگاه و عملکردی برخوردار بودند؟ ایـن پـژوهش بـا تحلیل داده‌ها و گزارش‌های منابع دست اول نشان داده است که ندیمان، گـاه بـر خلفـا سلطه یافته و با ارائه نظرات و پیشنهادات خود در امور کشور دخالت می‌کردند. همچنین به سبب روابط نزدیک با خلفا، به فراخور شخصیت، کفایت و شـرایط دربـار، در مسـایل اجتماعی تأثیرگذار بودند. در عرصه اقتصاد نیز، ندیمان با دریافت انـواع صـله و انعـام و حتی مناصب بلندپایه حکومتی در سایه روابط و مصاحبتشان بـا خلفـا، بـه ثـروت‌هـای هنگفت دست یافته و در ردیف خواص دربار قرار می‌گرفتند.

کلیدواژه‌ها: تشکیلات عباسی، دربار، خلافت عباسی، ندیم.

۱. دانشجوی دکتری تاریخ و تمـدن ملـل اسـلامی دانشـگاه آزاد اسـلامی واحـد تاکسـتان (نویسـنده مسـئول). leilataherkhani1355@gmail.com
۲. استادیار گروه تاریخ اسلام دانشگاه آزاد اسلامی واحد تاکستان. mostafanaserirad@gmail.com
تاریخ دریافت:۹۸/۰۸/۰۳ تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۰/۱۵

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-10-12]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1398.1.35.1.9]

درآمد

ندیمان از افراد با نفوذ دربار عباسی و همنشین خلفا بودند. ندیمان بـه «دسـت‌هـای پشـت پـرده» دربـار معـروف بودنـد. آنهـا بایـد سـخنور، شـیرین گفتـار و بذلـه‌گـو، خوش‌صورت، خوش‌لباس و خوش‌محاوره می‌بودند. همچنـین بسـیاری از آنـان دارای مقام و منزلت بالا و متبحر در شـعر و ادب بودنـد. ویژگـی یـاوری و همراهـی نـدیم، اقتضاء می‌کرد تا وی در کارهای سرور خویش، مشاوره نیز بدهد. خلفـا بـرای برپـایی درباری باشکوه نیازمند حضور ادیبان، شاعران و ندیمان بودند تا با همراهی، حمایت و مشاوره آنان، با خیالی آسوده بر مسند قدرت تکیه دهند.

در منابع اصلی و معتبر مقارن روزگار خلافت عباسـی ماننـد *تـاریخ یعقـوبی*، *تـاریخ طبری*، *مروج الذهب* مسعودی و *الکامل* ابن اثیر به ضرورتِ مباحـث متنـوع تـاریخی از ندیمان سخن رفته‌است؛ با وجود این در مطالعات و پـژوهش‌هـای تـاریخی در قالـب کتاب‌های *تمدن اسلامی در قرن چهارم* از آدم متز و *زندگی اجتماعی در حکومت عباسیان* از مناظر احسـن در مـورد جایگـاه نـدیمان و کارکردهـای آنهـا بحـث مسـتقلی ارائـه نشده‌است. از این رو پژوهش حاضر با بررسی شواهد تاریخی و روش تحلیلی در پـی پاسخ به این پرسش است که ندیمان در دربار عباسی چه جایگاهی داشـته‌انـد و تـأثیر عملکردهای آنان بر دربار و جامعه، در عصر عباسی چه بوده‌است؟

آداب و شرایط خاص ندیمی

ندیم از لحاظ لغوی، به معنای حریف شراب و مصاحب است. ندیمی یعنی با کسی هم‌پیاله شدن، هم‌نشینی و نیز به معنای رفاقت، همدم و مونس است. همچنین به معنای هم‌سفره، هم‌قدم، دمخور، همراه، وزیر و مشاور نیز آمـده اسـت (دهخـدا، ٤٧/ ٤١١٤–4115).

ندیمی از مشاغل مهم دربار خلفای عباسی بود. اغلب آنان با اتکـا بـه قابلیـت‌هـای متنوع، زیرکی و تجارب فراوان این فرصت را می‌یافتند تا در حلقـه خـواص و مقربـان خلیفه قرار گیرند و از این رهگذر امتیازات مادی و معنوی چشمگیری بدسـت آورنـد. مؤلف *قابوسنامه* به خوبی ویژگی‌های مختلف ندیمان را توصیف می‌کند: «باید مجمـوع

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-10-12]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1398.1.35.1.9]

حواس ندیم سلامت باشد. در [زبان] تازی، ترکی و فارسی و از مقدمات علمی بهره‌ای داشته باشد و موسیقی بداند. نرد و شطرنج بداند، امّا نه چندانکه به قماربازی شهرت یابد. به سیرالملوک آگاه باشد و اگر شعر نمی‌تواند بگوید، شعرشناس باشد و لطیفه‌گوی باشد» (عنصرالمعالی، 203-205).

آشنایی تعدادی از خلفا مانند مأمون، معتمد، راضی و مقتدر به موسیقی و شعر (مسعودی، ۲/ ٤٢٥، ٥٣٨، ٦١٨، ٧٢٠)؛ سبب شد تا ندیمانی که در عرصه موسیقی و شعر قابلیت‌های ممتازی داشتند، به دربار خلفا راه یابند. داشتن اخلاق خوب و ادب نیز از دیگر شرایط ندیمی بود، که مسعودی آن را یکی از شروط مهم ندیمانِ پادشاه معرفی می‌کند و می‌گوید: «هیچ‌کس از مصاحبان و معاشران ملوک به اندازه ندیم، محتاج داشتن اخلاق نیک و خوب و ادب کامل و دانستن نکات ظریف و لطایف جالب نیست. تا آنجا که ندیم می‌بایست شرف ملوک، تواضع غلامان و عفت متعبدان، وقار پیران و بذله‌گویی جوانان را داشته باشد» (همان ،١/٢٤٠).

خلفا به همان اندازه که به افرادی برای نصیحت کردن و پند دادن نیاز داشتند؛ در مواقعی هم به کسانی نیازمند بودند که بتوانند آنها را از فضای رسمی و خشکی که در آن قرار داشتند، برای دقایقی با اتکاء به حرکات و کارهای مسخره و حتی مستهجن دور نگه دارند. در خصوص این که چرا باید ندیم شیرین سخن و بذله‌گو باشد، باید گفت ندیم با شیرین‌سخنی و بذله‌گویی‌اش در همه ساعات شبانه روز، مونس تنهایی خلیفه بود تا بتواند خشم‌ها، غصه‌ها، دل‌نگرانی‌ها، خستگی‌ها و تنوع‌طلبی‌های او را تسلی بخشید. چنان‌که در منابع آمده، عیسی بن‌دأب[1] به سبب شیرینی گفتار و سخنوری و نیز حاضرجوابی و چیره‌دستی در یافتن اشعار و شواهد مناسب حال، نزد خلیفه هادی (حک. ١٦٩–١٧٠) دارای پایگاهی ویژه‌ای بود. به‌گونه‌ای که خلیفه در کنار او هیچ‌گاه احساس دلتنگی نمی‌کرد. وی تنها کسی بود که می‌توانست در کنار خلیفه بر پشتی تکیه زند (ابن اثیر، ٣٦٢٤/٨). هنگام خشم خلیفه که دیگران را یارای سخن گفتن نبود، وی می‌توانست خلیفه را آرام سازد، چنانکه یک بار با ذکر شعری به جا، خشم او را فرو نشاند و وی را شادمان ساخت و سی هزار دینار پاداش گرفت (طبری، ٥٢١٣/١٢).

۱. اِبْنِ‌دَأب، ادیب و شاعر و ندیم خلیفه هادی عباسی بود (طبری، ٥٢١٣/١٢).

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-10-12]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1398.1.35.1.9]

پیداست که چنین ندیمی می‌توانست نفوذ بسیاری بر خلیفه داشته باشد. جاحظ که خود به دربار خلفای عباسی رفت و آمد داشت و به خوبی به این نکته توجه کرده، درباره این ویژگی ندیم می‌نویسد: «پادشاه به همان اندازه که مرد دلیر و جنگجو را برای دلیری و رزم‌آوری او می‌خواهد به شخص دون و پست که او را سرگرم کند نیز نیاز دارد و باز به اندازه احتیاجی که به دانشمند مطلع و مجرب دارد به رامشگر و خنیاگر محتاج است» (جاحظ، ٦٤). در منابع آمده است که خلیفه امین (حک. ۱۹۳–۱۹۸)، بدین سبب که ابونواس شاعری بذله‌گو، شیرین سخن و عشرت‌طلب بود، وی را برای همنشینی خویش برگزید؛ تا همواره در باده‌نوشی و شکار کنار او باشد (آذرنوش، ٣٤٥/٦).

بعضی از خلفا، منجمین را به عنوان ندیم انتخاب می‌کردند، چرا که معتقد بودند تمام امور، طالع خوب یا بد دارند. اموری مانند جلوس، تفرّج و شکار، لشکرکشی و برگزاری مهمانی‌ها در شرایط خاص و متناسب سعد و نحس کواکب رقم می‌خورد. نظام‌الملک وزیر مشهور سلاجقه که دیدگاه‌هایش در *سیاست‌نامه* قابل تعمیم به خلافت عباسی است، در این مورد می‌نویسد: «منجم وقت و ساعت نگاه می‌دارد و از سعد و نحس آگاهی می‌دهد» (نظام الملک طوسی، ١٠٤). تشنجات سیاسی که در پی سقوط سلسله امویان و انتقال خلافت به خاندان عباسی بروز کرده‌بود، این خاندان را متقاعد ساخت که از طریق ستارگان می‌توان سرنوشت انسان و برآمدن و برافتادن دولت‌ها را دریافت و تنها منجمان و عالمانند، که می‌توانند با حکمت خویش، این راز را بگشایند (ابن‌طقطقی، ٢٤–٢٥). به همین سبب دربارشان، مجمع منجمان بزرگی از سراسر ممالک اسلامی همچون نوبخت، ابراهیم فراری و علی بن عیسی بود (مسعودی، ٦٩٦/٢). مسعودی در *مروج الذهب* به روشنی به این موضوع اشاره دارد که منصور خلیفه دوم عباسی (حک. ۱۳٦–۱۵۸)، نخستین خلیفه‌ای بود که منجمان را به خود نزدیک ساخت و به احکام نجوم عمل کرد. از جمله منجمان دربارش می‌توان از نوبخت مَجوسیِ یاد کرد که به دست منصور اسلام آورد (همانجا). ابوریحان بیرونی نیز از انتخاب طالع سعد از سوی نوبخت منجم، برای بنای بغداد یاد می‌کند (بیرونی، ۲۷۰).

خلفا، برخی مواقع طبیبان را نیز به عنوان ندیم خود برمی‌گزیدند. این ندیمان طبیب،

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-10-12]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1398.1.35.1.9]

همواره در هنگام صرف غذا، در کنار خلفا حضور داشته و پیرامون سود و زیان خوراکی‌ها با ایشان سخن می‌گفتند و در مورد غذای آنان نظر می‌دادند و اگر غذایی برای خلیفه مناسب نبود و ضرر داشت آن را از سفره برمی‌داشتند تا خلیفه از آن استفاده نکند (نظام الملک طوسی، ۱۰٤). یاقوت حموی از طبیبانی همچون ابن‌رَبَنّ‌طَبری، بُختیشوع و طَبیب‌سَرخسی یاد می‌کند که علاوه بر طبابت، دارای مقام ندیمی خلیفه راضی و مکتفی نیز بوده و عهده‌دار سلامتی جسم و روح ایشان بودند (یاقوت حموی، ٢٦٧٨/٦).

به روایتی، یک‌بار که جَبرئیل بن بُختیشوع، ندیم و طبیب مخصوص خلیفه هارون الرشید (حک. ۱۷۰–۱۹۳)، بر سر سفره نبود؛ هارون از خوردن پرهیز کرد تا او حاضر شود. در مورد این پزشک گفته‌اند که وی، نخستین کسی بود که در روزهای مخصوص معاینه شخص خلیفه، حضور می‌یافت (مسعودی، ٤٥٦/٢–٤٥٨). این ندیمان، بیشتر با داروهای گوارشی و انواع گوناگون شیرینی‌ها و معجون‌های آمیخته از سبزیجات و آشامیدنی‌های سرد و گرم که در زمستان، حرارت و نیروی طبیعی را می‌افزایند و در تابستان، طبع سرد داشتند؛ بر سر سفره حاضر می‌شدند (قفطی، ٢٤٩). به عنوان نمونه یَحیی بن ماسویه، ندیم معتصم (حک. ۲۱۸–۲۲۷)، هنگامی که خلیفه، ماهی می‌خورد چاشنی از سرکه وکرفس و خردل و جوز به وی می‌داد تا ضرری که ماهی برای عصب داشت را دفع کند (مسعودی، ٤٦١/٢).

از دیگر ویژگی‌های لازم برای ندیمان، آگاهی نسبی ایشان از علم جغرافیا، اخبار عرب و عجم، نقل قصه و حکایت به خصوص در تاریخچه خاندان عباسی بود (عوفی، ۲۹۳). اغلب خلفا، با صبغه‌ای از سرگرمی و عبرت آموزی و به منظور آگاهی از رموز و اسرار حکمرانی، به شنیدن و خواندن تاریخ و داستان تمایل می‌ورزیدند. با تکیه به چنین دلایلی، ندیمانی که دستی در تاریخ و افسانه داشتند، همواره محل توجه خلفا قرار می‌گرفتند. جاحظ در مورد ابن‌دأب از ندیمان برجسته دربار خلیفه هادی می‌نویسد: «به راستی وی مردی شایسته بود. در قصه‌گویی و افسانه‌پردازی و روایت اخبار و احادیث، زبردست، خوش‌سخن و مجلس‌آرا بود» (جاحظ، ١٦١).

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-10-12]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1398.1.35.1.9]

ندیمان در هر شرایطی، همدم و مونس خلفا بوده‌اند. بی‌گمان این همدمی ندیمان با خلفا، عشق و محبتی در پی داشت، به شکلی که اگر خطری برای خلیفه پیش می‌آمد، آنان حتی از ایثار جان خود در دفاع از خلیفه دریغ نمی‌کردند. چنانکه فتح بن‌خاقان، وزیر مقرب و ندیم متوکل (حک. ۲۳۲-۲٤۷)، در ماجرای قتل متوکل توسط سرداران شورشی ترک، آنچنان پایمردی و جسارت از خود نشان داد که به رغم اصابت شمشیر به وی، همچنان در دفاع از متوکل پافشاری کرد تا سرانجام در حالی که بر روی خلیفه افتاده بود، ترکان خلیفه را از پای در آوردند (بلاذری، ۱٤۳).

لازم به یاد آوری است ندیمان در مواقعی هم، معلم اخلاق خلفا بوده و آنها را مانند فرزندان خود پند و اندرز می‌دادند و خلفا نیز به خاطر اعتمادی که به آنان داشتند، نصیحت‌هایشان را با جان و دل به کار می‌بستند. در منابع به شواهدی برمی‌خوریم که هارون الرشید از یحیی برمکی با تعبیر پدر یاد می‌کند (بیهقی، ٦٤۰). خلیفه هارون، توصیهٔ جعفر بن یحیی را در باب هرکس، حتی مخالفان خود، می‌پذیرفت. چنان که جعفر واسطهٔ ازدواج پسر عبدالملک بن‌صالح هاشمی با دختر خلیفه و اعطای حکومت رقّه[1] و جزیره[2] به وی شد (ابن‌طقطقی، ۲٤٦-۲٤۸).

شایان توجه است که برخی خلفای عباسی، اگر کسی را به ندیمی خویش بر می‌گزیدند، شغل یا وظیفه دیگری را به وی محول نمی‌کردند؛ چرا که بر این باور بودند که ندیم به علت رابطه نزدیک خویش با خلیفه، ممکن است از آن سوء استفاده کرده بر مردم ستم کند. بی‌تردید خواجه نظام الملک متأثر از تجارب دربارهای روزگار خویش، از جمله دربار خلافت عباسی به ولی نعمتان سلجوقی خود پیشنهاد می‌کند که «کسی را که به ندیمی گمارده‌اند؛ نباید کار و عمل و وظیفه دیگری به او سپرده و کسی را که شغل و عملی را به وی واگذار نموده‌اند؛ نباید او را ندیم قرار دهند» (نظام الملک طوسی، ۱۰٦). چنانکه ابن دأب، ندیم هادی خلیفه عباسی، جز ندیمی هیچ مسئولیت

۱. شهر قدیم بین النهرین بر ساحل چپ فرات، در ناحیهٔ دیار مضر که نام قبلی آن کالینیکوس نام داشت (مصاحب، ۱ /۱۵۹۲).

۲. اعراب، بلاد بین النهرین علیا را جزیره می‌نامند، زیرا آب‌های دجله و فرات علیا، جلگه‌های آنجا را در بر می‌گرفت (لسترنج، ۹۳).

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-10-12]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1398.1.35.1.9]

درباری نداشت (یاقوت حموی، ۳۹۰/۲). همچنین درباره اصمعی[1] ندیم خلیفه هارون الرشید، تصریح شده‌است تنها در کسوت ندیم به دربار وی رفت و آمد داشت (ابن ندیم، ۱۷۸). اما اخبار و گزارش‌های متعددی، مبتنی بر این است که گاهی ندیمان خلفا، متولّی امور مهم حکومتی نیز بودند. همچون ابوایوب موریانی[2] ندیم خلیفه منصور، که علاوه بر ندیمی عهده‌دار امر وزارت نیز بود (جهشیاری، ٦٦). یا می‌توان از جعفر بن یحیی برمکی، یاد کرد که هم ندیم و هم وزیر هارون الرشید بود (ابن ندیم، ٤٢٠). فتح بن خاقان نیز چنین وضعی داشت؛ یعنی وزارت و ندیمی را یکجا به عهده داشت (بلاذری، ١٤٣).

مراتب ندیم

در مجالس خلفا، افراد در طبقات و مراتب متفاوتی، حضور می‌یافتند و آداب و شرایط خاصی بر آن حاکم بود. این شیوه حتی در مورد ندیمان نیز به کار بسته می‌شد تا جایی که خلفا برخی از آنها را برای مجالس خاص و عده‌ای را برای مجالس عام بر می‌گزیدند. چنانکه تعدادی از آنها را مقرّب درگاه خویش کرده و هر روز آنها را می‌دیدند و برخی را هر چند روز یکبار به حضور می‌پذیرفتند (جاحظ، ٦٤). نظام‌الملک در این باره می‌نویسد: «هریک از ندیمان را مرتبتی و منزلتی باشد. بعضی را محل نشستن باشد و بعضی را محل ایستادن، چنان که از دیر باز، عادت مجلس ملوک و خلفا بوده‌است و هنوز این رسم در خاندان قدیم مانده است و خلیفه را همیشه چندان ندیم باشد که پدران او را بوده‌است و سلطان غزنین[3] را همیشه بیست ندیم بوده‌است، ده بر پای و ده نشسته. و ایشان این سهم و ترتیب از سامانیان دارند و باید که ندیمان پادشاه را کفافی و حرمتی تمام باشد میان حشم، و ایشان باید که خویشتن‌دار و معذّب باشند و پادشاه دوست» (نظام الملک طوسی، ۱۰۸). جاحظ نیز به عنوان شاهد عینی، بر سلسله مراتب ندیمان تکیه ورزیده و شاعران ندیم را در ردیف شاهزادگان، و

۱. ادیب، راوی و لغت شناس نام آور اوایل دوران عباسی بود (ابن ندیم، ۱۷۷).
۲. ابوایوب موریانی ندیم و وزیر خلیفه منصور بود (موذن جامی، ۱۹۷/۵).
۳. مراد حکومت غزنویان است.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-10-12]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1398.1.35.1.9]

ندیمان موسیقی‌دان را هم رتبه رجال درباری و با صراحت ندیمان دلقک را با سنج‌زنها و طنبور نوازان در یک مرتبه قرار می‌دهد (جاحظ، ٦٨).

مقام و خلعت ندیمی

از رسوم رایج و در عین حال مهم دربار عباسی که در طی مراسم رسمی انجام می‌گرفت، اعطای مقام ندیمی و اهدای خلعت، طی مراسم ویژه به آنان بود. گرفتن خلعت از خلفا، وسیله‌ای برای بیان موقعیت و منزلت ندیم در بین دیگر مراتب درباری و گوشزد این مقام به عام و خاص بود. صابی برخی از خلعت‌های ندیمان را این گونه شمرده: «خلعت‌های منادمه، عَمامه‌ای از وَشی[1] زَربفت و غَلالَه‌ای[2] و مَبطَنه‌ای[3] و دُرّاعه‌ای[4] دَبیقی بوده و با شخص خلعت گیرنده تحفه‌ها و بوی‌های خوش نیز همراه می‌شود» (صابی، ٧٣). خلعت و مقام ندیمی، جهت ترفیع مقام و عنایت بیشتر به خاصان و کارگزاران و امرا و وزیران و خادمان از طرف امیر یا خلیفه اعطا می‌شد. اعطای خلعت ندیمی، بدین معنی بود که خلیفه او را به افتخار منادمت خویش برگزیده است.

بر این اساس کسانی که خدمات شایسته‌ای به خلیفه ارائه می‌کردند؛ در مقابل، پاداشی تحت عنوان خلعت ندیمی می‌گرفتند. در این خصوص موارد فراوانی در تاریخ یافت می‌شود. بَجکم[5] از کسانی است که خلیفه راضی (حک. ٣٢٢-٣٢٩) به وی چنین خلعتی عطا کرد و همراه خلعت، شربت و عطرِ پیشکش نیز برایش فرستاد (مسکویه، ٦٥٥/٥). واضح است که خلیفه جهت گرامی داشتن بَجکم، چنین خلعتی را به وی عطا کرده بود. ابوعلی‌بن‌مقله وزیر مقتدر (حک. ٢٩٥-٣٢٠) نیز از طرف خلیفه، خلعت ندیمی دریافت کرده و خلیفه دستور داد تا آن را در قالب منشوری، به اطلاع استان‌ها

۱. جامه حاشیه دار (دهخدا، ذیل واژه مذکور).
۲. تن‌پوشی که زیر زره می‌پوشیدند (دهخدا، ذیل واژه مذکور).
۳. جامه آستر دار (دهخدا، ذیل واژه مذکور).
۴. جامه دراز که مشایخ بر دوش می‌انداختند (دهخدا، ذیل واژه مذکور).
۵. ابوعبدالله بجکم معروف به بجکم رائقی (متوفای ٣٢٩) امیر ترک در دستگاه خلفای عباسی بود (مصاحب، ٣٨٩/١).

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-10-12]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1398.1.35.1.9]

وکارگزاری‌ها برسانند (همان، ۳۵۱). باید یادآور شد که بر اساس دیدگاه ابن‌طَقْطَقی (متوفای ۷۰۹)، پادشاهان پیوسته دربارهٔ ملازمانشان، انواع نیکی‌ها را روا می‌داشتند تا ایشان را به بندگی خویش درآورند (ابن طقطقی، ۹۶). به همین سبب، ندیمان همواره مورد توجه خلفا بوده و از آنان خلعت و مقام دریافت می‌کردند.

لازم به ذکر است که خلفا تمام نیازهای ندیمان و همنشینان خود را از لحاظ مقام، جایگاه، پول و معاش تأمین می‌کردند؛ تا آنان با اشتیاق و دلبستگی کامل، خلیفه را در سیاست‌هایش همراهی نمایند. آنان از جانب خلفا و امرا برای اموری که انجام می‌دادند، مقرری ماهانه یا سالانه دریافت می‌کردند. برای نمونه محسن‌بن‌فرات وزیر مقتدر، به پاس خدمات شایسته‌ای که انجام داده بود؛ خلیفه به او خلعت ندیمی پوشاند و مقرری‌اش را افزود (مسکویه، ۱۵۵/۵). در میان گزارش‌های موجود آمده است که سفاح خلیفه عباسی (حک. ۱۳۲–۱۳۶)، ندیمان و مطربان را بدون بخششِ پول یا لباس مرخص نمی‌کرد، زیرا وی بر این عقیده بود که، شایسته نیست اکنون که ما مسرور و خوشحال شده‌ایم پاداش کسانی که موجب سرور و شادمانی ما شدند، به تأخیر اندازیم (مسعودی، ۲۷۰/۲). در مورد خلیفه امین نیز گفته‌اند که وی همیشه با ندیمان خود یکجا می‌نشست و عطای فراوان به آنان می‌داد و در این کار از همه خلیفگان عباسی بخشنده‌تر بود. ابراهیم حسن به استناد گفته‌های اسحاق موصلی از ندیمان او نگاشته است: «اگر هم میان وی و ندیمان پرده‌ای بودی بدریدی و بینداختی و با ندیمان بنشستی و به وقت طرب طلا و نقره بسیار دادی مرا به یک شب چهل هزار دینار بخشید. یکبار ابراهیم بن‌مهدی[1] برای وی آوازی خواند. خلیفه برخاست و سر وی را ببوسید و دویست هزار دینار بدو داد» (ابراهیم‌حسن، ۲/ ۳۲۹–۳۳۰).

کارکردهای فرهنگی و اجتماعی ندیمان

ندیمان به فراخور شخصیت، مهارت‌ها، توانایی‌ها و حتی عقاید و مذاهبی که داشتند و نیز خدماتی که انجام می‌دادند، بر افراد دستگاه خلافت و درباریان و همچنین بر فرهنگ جامعه نیز تأثیراتی داشته‌اند. این تأثیرات می‌توانست سازنده یا در برخی مواقع

۱. عموی خلیفه و موسیقی‌دان بود (مسعودی، ۳۹۵/۲).

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-10-12]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1398.1.35.1.9]

مخرّب نیز باشد. در بحث از تأثیرات سازنده می‌توان از ندیمانی یاد کرد کـه در زمینـه شعر و ادب، خدمات ارزنده‌ای در آن دوران از خود به جا گذاشته‌اند. در منابع تاریخی، از میان ندیمان عصر عباسی از اَصعمی سخن به میـان آمـده کـه وی نـدیمی بذلـه‌گـو، خوش‌سخن، ادیب، راوی و لغت‌شناس نام آورِ اوایل عصر عباسی بود. وی عـلاوه بـر گردآوری ۳۰ دیوان از اشعار جاهلی و اسلامی حدود ۵۰ کتاب در زمینه‌های گونـاگون همچون شعر، لغت، تاریخ و انساب نیز به رشته تحریر در آورده اسـت. او در روزگـار هارون‌الرشید در دربار، پایگاه والایی به‌دست آورد و رسماً بـه جرگـه نـدیمان خـاص خلیفه پیوست و از پاداش‌های گرانبهای او و بزرگان دربار به خصوص یحیی بن‌خالـد برمکی و فرزندش جعفر و فضل بن ربیع بهـره فـراوان بـرد (ابـن‌نـدیم،۱۷۷-۱۸۰). در بررسی جنبه‌های مطلوب عملکرد ندیمان، باید به نوع مهارت و تأثیراتی که از ایـن راه بر جامعه و در پیشبرد این فن داشته‌اند، توجه کرد. یکی از این ندیمان کاتب معـروف، ابوبکر صولی است که منادمت مکتفی، راضی و مقتدر را به عهده داشت. وی با تأسیس کتابخانه در جهت نشر علوم گوناگون و پیشرفت فرهنـگ روزگـار خـود، گـام مهمـی برداشت (یاقوت حموی، ٦/ ٢٦٧٨). همچنین می‌توان از خاندان برجسـته برمکـی، یـاد کرد که شواهد و قرائن نشان می‌دهد یحیی برمکی و فرزندانش جعفر و فضل علاوه بر مناصب رسـمی، چـون وزارت از جملـه نـدیمان خلیفـه مـأمون و هـارون نیـز بودنـد (گرگانی، ۳۳۵). آنان نقش مهمی در ظهور نهضت علمی در این برهه از تاریخ داشـتند. شکوفایی شعر و ادب و ترجمه و تألیف فنون مختلف و ایجاد آموزه‌های فکری که بـه تشویق آنها بنا شد، نشان از تأثیر عظیم آنان در این دوره دارد. با توجه به این که مأمون در خانه برمکیان و تحت تربیت و سرپرستی ایشان قرار گرفت، از نقش آنان در ایجـاد فضای علمی عصر مأمون نیز نباید غافل بود (ابن‌ندیم، ٤٢٠).

نـدیمان در عرصـه تعلـیم و تربیـت نیـز فعالیـت مـی‌کردنـد و دارای تألیفـات در موضوعات گوناگون بودند. علی بن حمزه کسـائی نحـوی کـه فقیـه و همچنـین نـدیم هارون‌الرشید بود از سوی همین خلیفه به عنوان معلم فرزندانش برگزیده شد. کسـائی، کتاب‌های ارزشمندی در آن دوران تألیف کرد. به همین سبب خلیفه وی را بر دیگـران برتری داد و در روز مرگش هارون‌الرشید گفت: «امروز فقه و عربیت مردنـد» (یـاقوت

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-10-12]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1398.1.35.1.9]

حموی، ۷٦۷/۲). بلاذری نیز از ندیمان متوکل بود که تصنیفاتی نیکو داشت. وی با قصایدی مأمون را مدح گفته و با متوکل مجالست داشت. کتاب‌های *فتوح البلدان* و کتاب *انساب الاشراف* از مشهورترین آثار وی هستند (همان،۱/ ۲٤۳).

بی‌تردید خلفا به این مسئله آگاهی داشتند که مجالست و هم‌نشینی با علما، ادیبان، شاعران و دانشمندان، ضمن لذت روحی، بر اعتبارشان در بین مردم خواهد افزود، چه که در نزد افکار عمومی، خوی و سیرت خلفا و پادشاهان را متأثر از ندیمانش می‌دانستند، به گونه‌ای که همواره صاحب نظران، این مطلب را به سردمداران و بزرگان حکومتی توصیه می‌کردند که همدم و ندیم خود را از میان انسان‌های ممتاز و کارآمد برگزینند تا در نظر همگان شخصیت آنها از رهگذر مؤانست و مجالست با چنین افراد کاردان و باکفایت، شایسته و درخشان جلوه کند (همان، ٤۲۳؛ نظام الملک طوسی، ۱۰٦–۱۰۸). از این رو خلفا، همواره سعی داشتند تا شاعران و ادیبانی در ملازمت خویش داشته باشند و با حضور آنها در دربارهایشان، محفل‌های علمی و ادبی بر پا کنند. مسعودی در جای جای کتابش در ذکر اخبار و سرگذشت خلفا، از این محفل‌ها یاد می‌کند (مسعودی، ۳٦۲/۲،۳۲٤).

گاه وجود برخی ندیمان در دربار خلفای عباسی به تصمیم آنان برای فشار بر گروهی خاص می‌انجامید. برای نمونه ندیمان متوکل در مواضع او نسبت به شیعیان در دوره خلافتش تأثیرگذار بودند. درگزارشی از ابن‌اثیر آمده است ندیمان و یاران متوکل، که بیشتر آنها دشمن امام علی علیه‌السلام بودند، متوکل را از قیام علویان بیمناک کرده و او را وادار کردند، علویان را از خود دور کند و با خشونت و سختگیری با آنان رفتار نماید. تا حدی که کار را به جایی رسانیدند که متوکل به اجداد علویان مخصوصاً به امام علی علیه‌السلام توهین می‌کرد (ابن‌اثیر، ٤۱۱٦/۹). برخی از ندیمان بر خلفا نفوذ داشته، در تعیین مواضع سیاسی و منش‌های رفتاری ایشان نقش داشتند. تأثیرات خاندان برمکی بر هارون الرشید در این مورد قابل تأمل است (ابن‌طقطقی، ۲٤٦).

در چشم انداز پیامدهای فرهنگی، بسیاری از ندیمان، که خود دارای مراتب مختلف علمی بودند، طبعاً به تشویق اهل علم و نوازش علما و مترجمان، مبادرت می‌ورزیدند و خلفا نیز همسو با آنها بدین امر مهم اشتیاق نشان می‌دادند تا جایی که برخی از آنان

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-10-12]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1398.1.35.1.9]

همچون مأمون و هارون در ترویج علم و بزرگداشت علما زبانزد عام وخـاص شـدند (ابن ندیم، ٤٢٠؛ یاقوت حموی، ٧٦٧/٢).

با اتکا به چنین شواهدی می‌توان گفـت، نـدیمان بـه فراخـور شخصـیت انسـانی و معتقدات خود در بنای رسوم و سنن اخلاقی و اجتماعی تأثیرگذار بودند و در گسترش و تعمق ارزش‌های مورد نظر خود در جامعه نقش داشتند.

کارکردهای سیاسی و اقتصادی ندیمان

خلفا افراد عالم، طبیب، منجم و هنرمند و ادیب را به ندیمی خود برمی‌گزیدند، تا از یک سو از آنان در امور سیاسی یاری جویند و از سوی دیگر از مهارت‌ها و توانائی‌های آنان در شرایط خاص استفاده کنند. خلفا دریافته بودنـد بـرای پیـروزی در سیاسـت و درخشش قدرت، علاوه بر جنگاوران، به هنرمندان، عالمان، طبیبان، منجمان و حکیمـان نیز نیازمندند.

براساس مستندات تاریخی، برخی کارهای بزرگ و رسیدن به اهداف مهم حکـومتی، با همکاری و یاری ندیمان وفادار صورت می‌گرفت. چنانکه در شرح احـوالات خلیفـه منصور آمده است ابوایوب موریانی[1] ندیم مشهور او از دست انـدرکاران مـاجرای قتـل ابومسلم خراسانی بود (بلاذری، ٢٤٢). بدیهی است خلفایی کـه بـه یـاری نـدیمان بـه قدرت می‌رسیدند، زمامداریشان کم و بیش باسلیقه و درایت آنان پیوند می‌خورد. مأمون و هارون از جمله خلفایی هستند که به واسطه مساعدت ندیمانشان، بـه مقـام خلافـت رسیدند (گرگانی، ٤). به جرأت می‌توان گفت که اگر کوشش و نصایح و زحمات ایـن ندیمان نبود، آنان هرگز به قدرت نمی‌رسیدند. همچنین خلفا، برخی از کارهای اساسـیِ حکومت خویش را با رأی و فکر ندیمان خود به انجام مـی‌رسـاندند. چنانکـه سـاختن شهر بغداد توسط منصور در سال ١٤٤، در ساعتی که نوبختِ منجم، ندیم وی استخراج کرد، انجام شد (مسعودی، ٢/ ٢٨٤-٢٨٣). با این حال گزارش‌هایی نیز وجـود دارد کـه

۱. ابوایوب موریانی ندیم و وزیر خلیفه، ۱۷ سال در دربار منصور حضور داشت. دامنه نفوذ او چنـدان وسـعت یافت که در واقع بر خلیفه چیره شده‌بود. گویی که او حاکم علی الاطلاق بود و منصور محکوم مطلق. مردم در این باره می‌گفتند: زمانی که وی به نزد خلیفه می‌رود، روغنی بر روی خود می‌مالد تا خلیفه را مسحورگرداند. به این سبب «روغن ابوایوب» را به مَثل، در این باره به کار می‌بردند (موذن جامی، ۱۹۷/۵-۱۹۸).

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-10-12]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1398.1.35.1.9]

گاهی اعتماد بیش از حد خلفا به ندیمانشان، سبب چیره شدن آنان بر خلفا وحکومت می‌شد. برای نمونه مورخان اسلامی، جعفربن‌یحیی، ندیم و وزیر خلیفه هارون‌الرشید را از ارکان مهم اداره ممالک اسلامی در روزگار هارون الرشید عباسی می‌دانند (طبری، ۱۲/ ۵۳۰۷؛ ابن‌طقطقی، ٤٥).

گاه برخی از این ندیمان، به عنوان وزیر یا متصدی امور دیوانی، عهده‌دار اداره امورحکومت تحت نظارت خلیفه بودند و جزء مشاوران خاص او محسوب می‌شدند. به عبارتی تمامی شئون حکومت را در دست داشته و در هر کاری می‌توانستند دخالت می‌کردند. از این رو به عنوان هسته اصلی حکومت، بر نظام اقتصادی نیز اثر می‌گذاشتند. خالد برمکی که نقش بسزایی در قدرت یافتن عباسیان داشت و یکی از ندیمان نزدیک سفاح نخستین خلیفه عباسی (حک. ۱۳۲-۱۳٦) به شمار می‌آمد، در بحبوحه استقرار عباسیان، عهده‌دار اداره امور غنائم شد (جهشیاری، ۵۹). او در دوران خلیفه منصور نیز با لیاقت و کاردانی توانست سرپرستی دیوان خراج[۱] و دیوان جند[۲] را عهده‌دار شود. به همین منظور دیوان‌های منظمی برای این امر تشکیل داد و دستگاه خلافت را بر طبق آیین منظمی مرتب کرد (همانجا). این امر موجب تأثیرات سازنده‌ای در اقتصاد آن روزگار شد. همچنین خوش خدمتی یکی دیگر از افراد این خاندان، یحیی برمکی در مورد تثبیت ولیعهدی هارون الرشید، سبب شد تا با به خلافت رسیدن هارون، خلیفه قدرتی نامحدود به وی دهد و سرپرستی تمام دیوان‌ها را به او واگذار کند (طبری، ۵۲۲۷/۱۲). چه بسا همین ارتباط با خلفا، زمینه حضور آنان در اقتصاد دربار را فراهم می‌کرد.

انتقال مرکز خلافت از دمشق به بغداد در دوران خلیفه منصور (طبری، ۱۱/ ٤٩١٤)، عامل دیگری بود که در پیشرفت اقتصاد حکومت عباسیان تأثیر بسزایی داشت. محل بنای این شهر که تا سالیان طولانی به عنوان قطب تجاری و صنعتی و مرکز سیاست و فرهنگ درجه اول مسلمانان مطرح بود، از مشاوره‌ها و راهنمایی‌های همین ندیمان نشأت گرفته بود. شهری که در فصلی معین از سال یک بازار بزرگ تجارتی به مدت

۱. دیوان گردآوری مالیات‌ها و ثبت آنها.

۲. دیوان انتصاب سربازان به لشکر حکومتی و پرداخت حقوق ایشان.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-10-12]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1398.1.35.1.9]

یک ماه در آنجا تشکیل می‌شد و از بسیاری از شـهرهای دور و نزدیـک، بازرگانـان بـا کاروان‌های بزرگ برای داد و ستد به آنجا می‌آمدند (بیانی، ١٣٤). خواه یا نـاخواه ایـن بازار بر اقتصاد حکومت تأثیرات فوق‌العاده مهمی می‌گذاشت. مستندات فراوان تاریخی موجود است که نشان می‌دهد منصور به هنگام احداث ایـن شـهر بـا خالـد برمکـی و ابوایوب موریانی ندیمان خویش، در مورد مکان آن مشورت کـرد (طبـری، ٤٩١٥/١١). همچنین زمانی که منصور می‌خواست ایوان مدائن- شاهکار معماری عصر ساسانی- را تخریب و از مصالح آن برای ساخت بغداد استفاده کند، بـا ایـن اسـتدلال نـدیمان کـه هزینه‌های تخریب و جابجایی مصالح به مراتب سنگین‌تر از تهیه مصالح جدید خواهـد بود، از این تصمیم منصرف شد (ابن خلدون، ٣٦١/٢؛ طبری، ٤٩١٥/١١؛ گرگانی، ٣٤).

نتیجه

ندیمان به عنوان همدم و همنشین خلفا و رجال حکومتی، گرمابخش مجالس عـیش و نوش ایشان بودند. ندیمان موجب می‌شدند تا اوقات خلفا با تفریحات متنـوع و چـه بسا سبک همچون دلقک بازی، رقص و پایکوبی، موسیقی، شعر و قصه‌پردازی سـپری شود. همچنین این ندیمان، باید امین و رازدار می‌بودند تا شایسته و سزاوار همنشینی و مؤانست با خلفا شوند. از ندیمان همواره با مقامـات عـالی رتبـه حکومـت سـر و کـار داشتند، انتظار می‌رفت تا علاوه بر تبحّر و کارآمدی بر شعر، موسیقی و قصه‌پردازی در علومی مانند نجوم، تاریخ و جغرافیا نیز دستی داشته باشند. در ضمن خلفا به این مسئله نیزآگاهی داشتند که هم‌نشینی با افراد سرشناس و مصاحبت بـا آنهـا موجـب اعتبـار و شکوه دربار خواهد شد به همین سبب بیشتر ندیمانشان را از میان افـراد عـالم، ادیـب، شاعر، دانشمند و برجسته جامعه برمی‌گزیدند.

ندیمان متناسب با شخصیت خویش در عرصه‌هـای فرهنگـی، اجتمـاعی، سیاسـی و اقتصادی تأثیرات سازنده و گاه مخرّبی بر ساختار خلافت و جامعه بر جای می‌گذاشتند. تعدادی از ندیمان، که خود از زمره عالمان و ادیبان بودند، آثار بسیاری تألیف و تدوینِ کردند و همچنین با حمایت و تشویق سایر دانشمندان، گام مهمـی در زمینـه پیشـرفت فرهنگ روزگار خویش برداشتند. برخی از نـدیمان، شـاعرانی بودنـد کـه بـه فراخـور

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-10-12]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1398.1.35.1.9]

شخصیت خود با رفتارها، نوشته‌ها و اشعار خویش در گسترش فضایل و رذایل اخلاقیِ شخص خلیفه و جامعه، نقشی بسزایی داشتند. نـدیمان کـه بیشـتر مواقـع، در کسـوت مشاوران خلفا ایفای نقش می‌نمودند، نقش چشمگیری در تعیین مواضع سیاسـی خلفـا داشتند. همچنین از آنجایی که برخی از ندیمان عهده‌دار امور دیوانی بودند، متناسب بـا قابلیت‌ها و خصلت‌های رفتاری خود در مناسبات اقتصادی روزگار خـویش تأثیرگـذار بودند.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-10-12]

[DOR: 20.1001.1.22519726.1398.1.35.1.9]

منابع

ـ ابـراهیم حسـن، حسـن، *تـاریخ سیاسـی اسـلام*، ترجمـه ابوالقاسـم پاینـده، تهـران، نشرجاویدان، ۱۳۷٦ش.

ـ ابن اثیر، عزالدین علی، *الکامل (تاریخ بزرگ اسلام و ایران)*، ترجمه حمید رضـا آژیـر، تهران، مؤسسه مطبوعاتی علمی، ۱۳۸۰ش.

ـ ابن‌الندیم، محمدبن‌اسحاق، *الفهرست*، ترجمه تجدد، تهران، امیرکبیر،۱۳۸۱ش.

ـ ابن‌خلدون، عبدالرحمن، *تاریخ ابن خلدون (العبر و دیوان المبتدا و الخبر فی ایام العرب و العجم)*، ترجمه عبدالمحمـد آیتـی، تهـران، پژوهشـگاه علـوم انسـانی و مطالعـات فرهنگی، ۱۳۸۳ش.

ـ ابن‌طقطقی، محمدبن‌علی بن‌طباطبا، *تاریخ الفخري*، ترجمه محمـد وحیـد گلپایگـانی، تهران، بنگاه ترجمه و نشرکتاب، ۱۳٦۰ش.

ـ آذرنوش، آذرتاش، «ابو نواس»، دائره المعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر کاظم موسـوی بجنوردی، تهران، بنیاد دائره المعارف بزرگ اسلامی،۱۳٦۷ش.

ـ بلاذری، احمدبن‌یحیی، *فتوح البلدان*، ترجمه محمد توکل، تهران، نشر نقره، ۱۳٦۷ش.

ـ بیانی، شیرین، *تیسفون و بغداد در گذر تاریخ*، تهران، چاپخانه دیبا، ۱۳۷۷ش.

ـ بیرونی، ابوریحان، *الآثار الباقیه*، مترجم علیقلی بن فتحعلی و علی محمـد اصـفهانی و اکبر دانا سرشت، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۵۲ش.

ـ بیهقی، ابوالفضل، *تاریخ بیهقی*، به کوشش خطیب رهبر، تهران، مهتاب، ۱۳۸٦ش.

ـ جاحظ، *التاج*، به کوشش احمد زکی پاشا، ترجمه محمد علی خلیلی، تهران، ابن‌سینا، ۱۳٤۳ ش.

ـ جهشیاری، محمد بن عبدوس، الوزراء و الکتّاب، ترجمه ابوالفضل طباطبایی، تهـران، طهوری، ۱۳٤۸ش.

ـ دهخدا، علی اکبر، *لغتنامه دهخدا*، زیر نظر محمد معین، سید جعفـر شـهیدی، تهـران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ ش.

ـ صابی، ابوالحسن‌هلال‌بن‌محسن، *رسـوم‌دارالخلافـه*، تصـحیح میخائیـل عـوّاد، ترجمـه

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-10-12]

[DOR: 20.1001.1.22519726.1398.1.35.1.9]

محمدرضا شفیعی‌کدکنی، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳٤٦ش.
ـ طبری، محمدبن‌جریر، *تاریخ طبری*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، اساطیر، ۱۳۵۲ش.
ـ عوفی، محمد، *لباب الالباب*، به اهتمام ادوارد براون، ترجمه محمد عباسی، تهران، کتابفروشی فخر رازی، ۱۳٦۱ش.
ـ عنصرالمعالی، کیکاووس‌بن‌اسکندربن‌قابوس‌بن‌وشمگیر، *قابوس‌نامه*، به‌اهتمام غلامحسین یوسفی، تهران، شرکت علمی و فرهنگی، ۱۳۹۰ش.
ـ قفطی، جمال الدین ابوالحسن، *تاریخ الحکماء*، با کوشش بهین دارائی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳٤۷ش.
ـ گرگانی، عبدالعظیم، *تاریخ برامکه*، تهران، دنیای کتاب، ۱۳٦۲ش.
ـ لسترنج، گای، *جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی*، ترجمه محمودعرفان، تهران، انتشارت علمی و فرهنگی، ۱۳۹۳ش.
ـ مصاحب، غلامحسین، *دایره المعارف فارسی*، تهران، امیرکبیر،۱۳۸۷ش.
ـ مسعودی، ابوالحسن‌علی‌بن‌الحسین، *مروج الذهب و معادن الجوهر*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی،۱۳٤۷ش.
ـ مسکویه، ابوعلی الرازی، *تجارب الأمم*، ترجمه علی نقی منزوی، تهران، توس، ۱۳۷٦ش.
ـ موذن جامی، محمد مهدی، «ابوایوب موریانی»، *دائره المعارف بزرگ اسلامی*، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، تهران، بنیاد دائره المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳٦۷ش.
ـ نظام الملک طوسی، *سیاست‌نامه سیر الملوک*، به کوشش جعفرشعار، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۰ش.
ـ یاقوت حموی‌بغدادی، *معجم البلدان*، ترجمه علینقی منزوی، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۸۳ش.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-10-12]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1398.1.35.1.9]